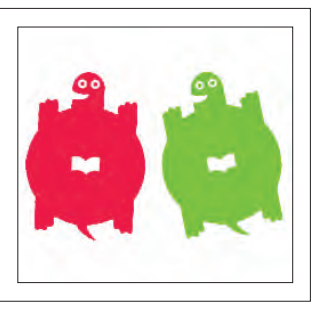

کودکان در جشن لاک‌پشت پرنده

فرهیختگان| یازدهمین فهرست «لاک‌پشت پرنده» رونمایی می‌شود و ۳۰ نویسنده و تصویرگر در جشن امضای آن شرکت می‌کنند. برنامه‌ای که ۹ دی‌ماه ساعت ۱۷ در شهرکتاب مرکزی برگزار می‌شود. پس از بررسی و ارزیابی کتاب‌های منتشر شده در پاییز سال ۹۲، آثار نویسندگان و مترجمان و تصویرگرانی چون احمدرضا احمدی، رضی هیرمندی، محمود کیانوش و... به یازدهمین فهرست لاک‌پشت پرنده راه‌یافته‌اند. «لاک‌پشت پرنده» فهرستی از کتاب‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان است که هر فصل توسط گروهی از کارشناسان، منتقدان و نویسندگان ادبیات کودک نوجوان در دسته‌های ادبیات، کتاب‌های تصویری، علوم انسانی، هنر و سرگرمی معرفی می‌شود.

یادداشت

در حاشیه هجمه‌های سازماندهی شده رسانه‌ای علیه اکران «خانه پدری»

چه‌کسانی از ناکارآمدی مدیران فرهنگی سود می‌برند؟

حسن محمودی
روزنامه‌نگار

«خانه پدری» کیانوش عیاری به بهانه اینکه فیلمی ضدایرانی و ضدمذهب است، یک بار دیگر مورد هجمه گروهی قرار گرفته است که خط کلی‌شان مخالفت با سیاست‌های فرهنگی دولت یازدهم است. برای آنها فرقی هم ندارد که اثر مورد هجمه قرار گرفته «زوال کلنل» محمود دولت‌آبادی باشد یا فیلم‌های «قصه‌ها» رخشان بنی اعتماد، «عصبانی نیستم» رضا درمیشیان، «آشغال‌های دوست داشتنی» محسن امیر یوسفی و چند فیلم در محاق مانده دیگر باشد. هر بار که نام یکی از این آثار در زمره رفع توقیفی‌ها قرار می‌گیرد، هجمه‌های هدف‌دار از سوی انبوه رسانه‌های در اختیار مخالفان سیاست‌های فرهنگی دولت یازدهم قرار می‌گیرد تا با استفاده از این حربه وانمود کنند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت امید و تدبیر در سیاست‌های کلان خود به راحتی عقب‌نشینی می‌کند. به نظر می‌رسد القای همین نکته مهم‌ترین مساله هجمه‌های هدفمند و زنجیره‌ای است. این عده آشکارا در مقابل هر اقدام تدبیرگرانه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قد علم می‌کنند و تمام تلاش‌شان براین است که علی جنتی و مدیران فرهنگی‌اش را ناکارآمد و بی‌کفایت و محافظه‌کار جلوه بدهند. یکی از تازه‌ترین این هجمه‌ها، جبهه‌گیری علیه سیاست‌های مدبرانه برای تغییر ساختار فرسوده و ناکارآمد بنیاد سینمایی فارابی بود. معترضان اقدامی را که معماران اولیه بنیاد سینمایی فارابی در همین روزها ستوده‌اند، مورد هجمه قرار داده‌اند تا بتوانند از این طریق نیروهای وابسته به طیف سیاسی خود را در این مرکز محافظت کنند. بر همگان آشکار بود که بنیاد سینمایی فارابی در زمان مدیریت محمدرضا جعفری‌جلوه از این مرکز، به یکی از موانع اصلی در جهت تحقق ایده‌های حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی تبدیل شده بود. اما همین که ایوبی با رفتن جعفری‌جلوه از این مرکز دست به چابک‌سازی و هدفمندکردن ساختار کلان سینمایی کشور زد، خبرگزاری‌ها و سایت‌های وابسته به جریان افراطی هجمه‌شان را شروع کردند. با این جوسازی‌های رسانه‌ای بود که حجت‌الله ایوبی، بلافاصله در بنیاد فارابی جلسه‌ای مطبوعاتی ترتیب داد تا آرامش را به این مرکز برگرداند و سیاست‌های اتخاذ شده را به‌طور شفاف اطلاع‌رسانی کند تا جلوی تفسیرهای ناصواب و مغرضانه رسانه‌های افراطی را گرفته باشد. جالب است که جریان مخالف و سنگ‌انداز در روند سیاست‌های فرهنگی دولت برای مین‌گذاری کردن بسیاری از عرصه‌ها با استفاده از رسانه‌های گسترده‌ای که در اختیار دارند، به صورت هدفمند گزینه‌های مدنظرشان را به مدیریت فرهنگی کشور تحمیل می‌کنند. این مساله را می‌توان در رصدها و گمانه‌زنی‌های این دست از رسانه‌ها در تعیین معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی یا جایگزین رئیس فعلی مرکز هنرهای نمایشی نیز مشاهده کرد. از سویی جریان افراطی با خط و نشان کشیدن‌هایش و بستن عرصه اجرایی تلاش می‌کنند تا مانع اجرایی شدن سیاست‌های تدبیرگرانه دولت در بخش فرهنگ باشند و از سوی دیگر برای القای نارضایتی‌ها از دولت سراغ اهالی فرهنگ و هنر می‌روند تا خود را حامی آنها قلمداد کنند و تصویری ناکارآمد از سیاست‌های فرهنگی دولت به دست بدهند. مخالفان و سنگ‌اندازان به‌طور زیرکانه تلاش می‌کنند تا با هدایت رسانه‌ای، افکار برخی از نمایندگان مجلس را نیز مخدوش کنند و از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. این جریان‌سازی در سینما از زمان جشنواره فیلم فجر شروع شد و با مانور رسانه‌ای قدرتمندی در نتایج جشنواره فیلم فجر اعمال نفوذ کردند. بعدها این اعمال نفوذ از طریق لابی‌های قدرتمندی که در اختیار دارند، منجر به لغو اکران‌های از پیش تعیین شده برخی از فیلم‌ها شدند که اکران آنها گام مهمی در تحقق قول‌ها و شعارهای فرهنگی دولت بود. جالب است که این هجمه‌ها، هنرمندان مستقل را نشانه گرفته است تا موجی از ناامیدی را در جامعه فرهنگی و هنری راه بیندازند و دولت یازدهم را در این زمینه ناکارآمد قلمداد کنند. برای همین است که این گروه در مقابل اکران فیلمی مانند «مستانه» حسین فرحبخش سکوت می‌کنند، اما وقتی پای فیلمساز مستقلی مانند کیانوش عیاری پیش می‌آید، با تمام قدرت هجمه‌های‌شان را شروع می‌کنند. جالب اینکه مجوز اکران «خانه پدری» را محمد احسانی مدیر فعلی شبکه یک سیما و معاون سابق نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی صادر کرده است. «خانه پدری» در زمان اکرانش در جشنواره فیلم فجر مورد استقبال منتقدان و مخاطبان قرار گرفت و انتقادهای صورت گرفته تنها منجر به نمایش صحنه خشونت پدر با خرد کردن جمجمه‌اش بود. این در حالی است که قتل ناموسی در زمان پهلوی اول اتفاق می‌افتد و ربطی به زمان حال ندارد. البته این را هم باید مدنظر داشته باشد که بنابر آمار اعلام شده از سوی نهادهای انتظامی، ۱۶ درصد قتل‌های هر سال ناموسی است. با در نظر گرفتن آمار ۱۹۱۰ قتل درسال ۹۲، معادل حدود ۳۰۰ قتل ناموسی در سال می‌شود. حال اگر فیلمساز که از او به‌عنوان فرزند زمانه خود یاد می‌کنند به این مساله واکنش نشان می‌دهد، باید آن را به منزله یک هشدار در نظر گرفت و نه اینکه با تفسیرهای عجیب و غریب، یک فیلم را که قائم به ذات خودش است، به کل جامعه تعمیم داد و در بوق و کرنا کرد که این فیلم، یک اثر ضدایرانی است. اگر این چنین باشد باید بخش خبری حوادث شبکه‌های تلویزیونی و صفحه حوادث را به همین بهانه به کلی تعطیل کرد، چراکه خبر از عمق فاجعه می‌دهد. تدبیر قرار گرفتن اکران این فیلم در گروه «هنر و تجربه» که مخاطب خاص دارد و تعیین رده سنی بالای ۱۶ سال نشان از درایت سازمان سینمایی برای احترام به منتقدان دلسوز و بی‌غرض دارد. اما اینکه چرا به ناگهان هجمه‌ها به سازمان سینمایی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی متوجه کیانوش عیاری و «خانه پدری» می‌شود، نشانی‌هایش را باید در رصد جریان‌های افراطی برای رسیدن به مقاصدشان جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد که این گروه اقلیت که در پس حاشیه‌سازی‌های آنها، جای پای مدیران فرهنگی دولت قبل احساس می‌شود، تمام هم و غمش را صرف این مساله کرده است که مانع اکران هر فیلم در محاق مانده شود تا از این طریق برخی از مدیران فرهنگی دولت یازدهم را ناکام معرفی کند. زمینه سازی‌ها برای عدم اکران «خانه پدری» در سینماهای در اختیار حوزه هنری و لابد شهرداری از برنامه‌هایی است که این گروه در تلاش است آن را عملی کند و از این راه بین دولت و سازمان تبلیغات اسلامی و شهرداری تنش ایجاد کنند و از این تنش به نفع سیاست‌های افراطی خود بهره ببرد. خدشه وارد کردن به امنیت سرمایه در سینمای ایران یکی از مهم‌ترین هدف‌هایی است که حاشیه‌سازان به دنبال آن هستند. با این اوصاف است که انتظار می‌رود سازمان سینمایی پای تصمیم خود در اکران «خانه پدری» بماند و هشتم دی‌ماه روزی پر امید برای سینمای ایران باشد.

گزارش اول

آخرین خبرها از وضعیت جسمی پرویز کلانتری

گاهی خوب و گاهی بد

فرهیختگان| چند وقتی است که پرویز کلانتری در بیمارستان و در بخش آی‌سی‌یو بستری شده است. همسرش می‌گوید وضعیت جسمانی این هنرمند نقاش در حالت نوسان است و البته مشکلات عروق قلبی‌اش تا حدی مهار شده است. فرح یوسفی، همسر او می‌گوید: «شرایط جسمی‌اش دچار نوسان است، گاهی خوب و گاهی بد است.» نقاشی که این روزها سه رگ از رگ‌های قلبش دچار گرفتگی و تورم شده است. با این همه همسرش می‌گوید: «از همان روز نخست بستری شدن او، پزشکان سعی کردند که از طریق دارو این گرفتگی و تورم را برطرف کنند. مشکلات مربوط به عروق قلبی پرویز کلانتری تا حدودی مهار شده است و باید منتظر بمانیم تا این شرایط به ثبات برسد.» پرویز کلانتری هفته گذشته با انجام عملی از طریق قرار دادن لوله در معده‌اش تغذیه می‌کند. ترانه کلانتری هم درباره وضعیت پدرش گفته است: «۳۰ آذرماه مشکلی در قلب پدرم به‌وجود آمد؛ در رگ‌های قلبش، سه لخته خون به‌صورت گرفتگی ایجاد شد، البته می‌گویند این گرفتگی‌ها اندک است. پزشک‌ها تصمیم گرفته‌اند از طریق دارو، این گرفتگی‌ها را برطرف کنند. در حال حاضر نیز ما منتظر گرفتن پاسخی درباره وضعیت پدرم از پزشکان هستیم.» او در شامگاه سه‌شنبه ۱۸ آذرماه دچار سکته مغزی شد و در بخش سی‌سی‌یوی بیمارستان تریتا بستری شد، زمانی که وضعیت این هنرمند وخیم شد و به بخش آی‌سی‌یو انتقال پیدا کرد. نقاشی که متولد ۱۳۱۰ در زنجان است و دانش‌آموخته دانشکده هنرهای زیبای تهران و جزء کسانی است که در دهه‌های گذشته مکتب سقاخانه‌ای را به راه انداختند. او تاکنون در نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی بسیاری در داخل و خارج از ایران شرکت کرده و یکی از آثارش در فهرست تمبرهای ویژه سازمان ملل به چاپ رسیده است. همچنین تابلوی مشهور «شهر ایرانی» او در مقر سازمان ملل در نایروبی قرار دارد. اما از آثار مشهور او می‌توان به نقاشی‌های کاهگلی اشاره کرد که برای او شهرتی جهانی به همراه داشت. او تاکنون مجموعه داستان‌هایی چون «ولی افتاد مشکل‌ها»، «چهار روایت» و «نیچه نه، فقط بگو مشداسماعیل»، «سر این خط را بگیر و بیا» را نیز منتشر کرده است.

گزارشی از نمایشگاه گروهی مجسمه شاگردان پرویز تناولی در گالری ماه مهر

«ماشین‌های عبث» و نگاه انتقادی هنرمند امروز

آزاده جعفریان | پرویز تناولی مجسمه‌ساز مطرح ایرانی کارگاهی برگزار کرد تا تجربه‌اش از مجسمه‌سازی و جواهرات هنری را به شاگردانش منتقل کند. حالا گالری «ماه مهر» میزبان نمایشگاهی با نام «ماشین‌های عبث» از ۱۷ هنرمند است که در دوره‌های مختلف کلاس‌های آموزش مجسمه‌سازی و جواهرات هنری استادشان شرکت کرده و درنهایت دوره «ماشین‌های عبث» را گذرانده و آثارشان را برای تماشای عموم به ماه مهر آورده‌اند. تناولی به همراه هنرجویانش در یک دوره آموزشی فشرده و به مدت دو ماه کلاس آموزشی ماشین‌های عبث را برگزار کرده تا پروژه‌ای بسیار فنی را پیش ببرند که مسائل هنری، مکانیکی و الکترونیک در آن مطرح است. آثاری که در این دوره ساخته شده است، حاصل ترکیبی از هنر و صنعت یا هنر و ماشین است. اینکه ماشین چه امکانی به یک اثر حجم می‌دهد، پرسشی است که پرویز تناولی در پاسخ به آن در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه می‌گوید: «ابتدا باید بدانید که ماشین زیباست و کسانی که ماشین می‌سازند طراحان بسیار هنرمند و خلاقی هستند و نباید ماشین را نادیده گرفت. همه ماشین‌ها در همه حوزه‌ها به وسیله طراحان با ارزشی ساخته می‌شوند. با این حال چون کاربرد ماشین در زندگی روزمره بسیار زیاد است و مردم برای ساده‌ترین کارها از ماشین‌ها استفاده می‌کنند، ماشین‌ها بسیار عادی هستند. اما یک هنرمند می‌تواند از ماشین در کارش استفاده کند و وسیله‌ای را که عادی به نظر می‌رسد به خدمت بگیرد و از عمل آن ماشین می‌تواند برای بیان احساسش استفاده کند.» شوخ‌طبعی در آثار به نمایش درآمده شاگردان تناولی در نمایشگاه «ماشین‌های عبث» یکی از مولفه‌های برجسته است و تناولی درباره موضوع شوخ‌طبعی و ارتباط آن با مضمونی مانند بیهودگی از نگاه طنزآمیز مردم ایران به کار عبث می‌گوید و پای ضرب‌المثل «آب در هاون کوبیدن» را به میان می‌کشد و می‌گوید: «نگاه شوخ‌طبعانه بخشی از کاراکتر ما ایرانی‌هاست و همین طنز راز بقای ماست زیرا همه نوع سختی را با این نوع نگاه می‌توانیم تحمل کنیم.» شکل گرفتن این پروژه از زبان مونا پاد، دستیار پرویز تناولی شنیدنی است. او می‌گوید: «روند کار به این شکل بود که ابتدا آقای تناولی از بچه‌ها خواست به موضوعاتی برای یک کار حجم متحرک فکر و آن را طراحی کنند. سپس در جلسه دوم ایده‌ها را بررسی کرد که البته بعضی ایده‌ها واقع‌گرایانه نبود. مثلا بعضی از بچه‌ها یک ربات طراحی کرده بودند. نکته دیگری که هنرجویان باید انجام می‌دادند، انتخاب یک نیروی محرکه بود که البته با آنکه محدودیتی در انتخاب این بخش نداشتند اما بیشتر بچه‌ها نیروی الکتریسیته را انتخاب و با موتور کار کردند.»

فریش البرزکوه از هنرمندانی است که تاکنون در چندین نمایشگاه گروهی مجسمه شرکت کرده و در این نمایشگاه با اثری به نام «فرم درخواست همسر دوم» حضور دارد. او درباره اثرش می‌گوید: «نخستین مساله‌ای که در ساخت این کار به آن پرداختم موضوع کار بود. در واقع «همسر دوم» موضوع اجتماعی‌ای است که همیشه دارای نظرهای مختلف بوده و هست. البته من این مساله را هم برای آقایان و هم برای خانم‌ها به صورت مساوی در نظر گرفتم تا در موقعیت مساوی قرار گیرند. از این رو برای رسیدن به این جواب که درست بودن و نادرست بودن آن چیست، فرمی طراحی کردم که در آن دلایل اختیار و توضیح همسر دوم آمده است. در قسمت بعد مشخصات و در آخر آنچه را در ذهن هست باید روی کاغذ بیان کنند. همچنین دستگاه دیگری ساختم که دارای چشم هوشمند است تا وقتی کاغذ روی صفحه چوبی قرار گرفت آن را تشخیص دهد و شروع به کار کند. همچنین ریلی در ستون دستگاه قرار داده شده تا چرخ موتور را به گردش درآورد. هنگامی که چرخ به حرکت درآمد، اهرمی که عمود بر صفحه است شروع به پایین آمدن می‌کند. در نقطه انتهایی آن؛ یعنی بالای کاغذ، محفظه‌ای تعبیه شده که در آن مهری قرار دارد. این مهر به آرامی رو به پایین می‌آید و با کاغذ تماس پیدا می‌کند و در نتیجه نوشته‌ای قرمز رنگ روی فرمی که پر کرده‌ایم نقش می‌بندد؛ «باطل شد.» به علت ناآشنا بودن من با رشته مکانیک و برق می‌توانم بگویم آنچه داشتم فقط یک ایده بود، البته ایده اولیه من بسیار پیچیده بود به‌طوری که یک طراح رباتیک باید طراحی آن را به عهده می‌گرفت. بنابراین تصمیم گرفتم طرح را خلاصه‌تر کنم تا اجرای آن هم ساده‌تر شود. از این رو با یک مهندس مکانیک همکاری کردم تا برای درست به اجرا رساندن طرح و درنهایت آنچه هدف من از اجرای این طرح بود، مرا یاری کند.» لیلی طاهری از دیگر هنرمندان جوان شرکت‌کننده در کلاس‌های تناولی است که درباره نمایشگاه «ماشین‌های عبث» می‌گوید: «ماشین‌های عبث، ماشین‌هایی هستند که به جای اینکه کارمفید انجام دهند کار بیهوده و عبث انجام می‌دهند؛ در حقیقت برگرفته از زندگی امروز و کنایه‌ای به ماشینی شدن زندگی است. رشته تحصیلی‌ام معماری است و نقاشی هم می‌کنم. من مجسمه‌سازی و جواهرسازی را نزد استاد تناولی آموختم. سابقه شرکت در نمایشگاه‌های مختلف از جمله دو نمایشگاه در پاریس در کنار پرویز تناولی و کامبیز صبری و... را داشته‌ام. نام کار من در این نمایشگاه «آوای عبث» است که یک شیپور گرامافون قدیمی را نمایش می‌دهد.انتظار می‌رود، از این گرامافون آوای خوش شنیده شود؛ اما آشغال بیرون می‌ریزد. صفحه گرامافون بیهوده و عبث به گردش در می‌آید و صدای جغجغه مانندی نیز از آن شنیده می‌شود. این دستگاه از سه موتور تشکیل شده و دارای چشم الکترونیک است.» سارا رزمی از مجسمه‌سازان خلاق و جوان در نمایشگاه «ماشین‌های عبث» با اثری با عنوان «ازدواج موقت» حضور دارد. او درباره این نمایشگاه می‌گوید: «به عقیده من هنرمند امروز می‌خواهد دهن‌کجی کند و نگاه انتقادی دارد. بشر به دلیل وجود انبوه ماشین‌ها آسایش روحی و فکری ندارد، بنابراین ماشینی می‌سازیم که کار عبث انجام می‌دهد و در واقع کار خاصی انجام نمی‌دهد. «در واقع این اثر، روابط موقت بین آدم‌ها را به چالش می‌کشد. برای طراحی مکانیسم کار از کیارش کیانی کمک گرفتم. او با صبر و حوصله، کار را از آغاز تا پایان مدیریت و اجرا کرد.» در این نمایشگاه فریش البرزکوه، مسیح احمدی، آتنا اخوان، کوروش آمری، فریده امینیان طوسی، مهروز بلادی، سیاوش جرایدی، آزاده دشتی، سارا رزمی، زینب صادقی، لیلی طاهری، مینا طلایی، فرداد علوی، شاهین قاسمی، امیر موسوی‌زاده و نگار نادری‌پور حضور دارند.

تناولی: یک هنرمند می‌تواند از ماشین در کارش استفاده کند و وسیله‌ای را که عادی به نظر می‌رسد به خدمت بگیرد و از عمل آن ماشین می‌تواند برای بیان احساسش استفاده کند

سینما

اکران عمومی فیلم «ملبورن» از امروز

فیلمی که شبیه «جدایی نادر از سیمین» نیست

فرهیختگان| فیلم سینمایی «ملبورن» به کارگردانی نیما جاویدی از امروز سوم دی ماه در گروه سینمایی آفریقا اکران عمومی می‌شود. این فیلم اولین ساخته جاویدی است که پارسال در جشنواره بین‌المللی فیلم فجر به نمایش درآمد و در بخش نگاه نو توانست بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را از آن خود کند و همچنین این فیلم در جشنواره‌های مختلف خارجی حضور داشته و توانسته است جوایزی را از آن خود کند که از میان آنها می‌توان به جایزه بهترین فیلمنامه از رقابت‌های سینمایی آسیا پاسیفیک، بهترین کارگردانی از جشنواره بین‌المللی فیلم گیخون، بهترین فیلمنامه و تقدیر ویژه بهترین فیلمبرداری از جشنواره استکهلم، بهترین فیلم از جشنواره بین‌المللی قاهره و... اشاره کرد. فیلم «ملبورن» روایت زوج جوانی است که در آستانه سفر به ملبورن استرالیا به مدت سه تا چهار سال هستند و در حالی که چند ساعتی به پروازشان باقی نمانده است ناخواسته درگیر ماجراهایی می‌شوند. برخی معتقدند جاویدی فیلم «ملبورن» را با تاثیر از فیلم «جدایی نادر از سیمین» ساخته است، به‌طوری که نیما جاویدی در برنامه هفت در جواب به آنها این جمله را چند بار تکرار کرد که فیلم را تحت تاثیر فرهادی نساخته است و هیچ شباهتی بین این فیلم با «جدایی نادر از سیمین» نیست. البته بازی تکراری پیمان معادی در این دو فیلم و موضوع دو فیلم که یکی مهاجرت و دیگری مسافرت به کشور خارجی است، این دو فیلم را شبیه هم کرده است، فقط با این تفاوت که در فیلم «جدایی نادر از سیمین» پدر بزرگ داشتیم و در «ملبورن» مادربزرگ داریم. تمام روایت «ملبورن» از ابتدا تا پایان دقیقه ۹۰ در یک آپارتمان اتفاق می‌افتد وتنها ارتباطش با بیرون پنجره‌ای است که دوربین از آنجا تصویر می‌گیرد که جاویدی دلیل تک لوکیشنی بودن این فیلم صرفه‌جویی در زمان و هزینه دانسته است.

چهره‌ها

سینما

مجید برزگر

فرهیختگان| مجید برزگر این روزها پشت دوربین فیلم سینمایی «یک شهروند کاملا معمولی» است و در کنار آن هم فیلم سینمایی «پرویز» را هم بر پرده سینماهای هنر و تجربه دارد. «پرویز» توانست توجه منتقدان را به این کارگردان سینما جلب کند. حالا برزگر فیلم جدیدش را به نیمه رسانده و امیدوار است که بتواند «یک شهروند کاملا معمولی» را در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر اکران کند.

تجسمی

جین بون

فرهیختگان| جین بون که چهره‌های مطرح را با عکس‌هایش در خاطره‌ها ثبت می‌کرد خودش خاطره شد. او در ۸۹ سالگی درگذشت. عکاسی که از چهره‌های مطرحی چون «ساموئل بکت» و اعضای گروه «بیتل‌ها»، «ملکه انگلیس»، «فرانسیس بیکن» و... عکس به یادگار گذاشته است. او عکاس روزنامه «آبزرور» بود که سردبیر این روزنامه او را بخشی از «DNA» نشریه‌اش خواند.

سینما

احمد رسول‌زاده

فرهیختگان| او که به جای بسیاری از شخصیت‌های سینمایی حرف زده است این روزها به دلیل بیماری در حال استراحت است. احمد رسول‌زاده که به بیماری پارکینسون مبتلا شده است قادر به صحبت کردن هم نیست. شهین خسروشاهی، همسر دوبلور نقش «عمرمختار» و «ابوطالب» در فیلم محمد رسول‌الله(ص) گفته است: «زندگی بسیار غم‌انگیزتر از آن چیزی است که شما فکر می‌کنید. بروید و ببینید که دوبلورهای باسابقه امروز چگونه در بیماری به حال خود رها شده‌اند و کسی هم به فکر آنها نیست.»

تجسمی

علی‌اکبر صادقی

فرهیختگان| آنها که آثار علی‌اکبر صادقی نقاش و مجسمه‌ساز را دوست دارند می‌توانند امیدوار باشند که سال آینده نمایشگاه بزرگی از آثار او در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شود. صادقی درباره این نمایشگاه گفته: «آثار تازه‌ای را با تکنیک‌های تازه کار کرده‌ام که قرار است اردیبهشت سال ۹۴ به نمایش درآید.»

سینما

علیرضا رئیسیان

فرهیختگان| این روزها همه فیلمسازها خودشان را برای جشنواره فجر آماده می‌کنند و همین است که علیرضا رئیسیان نسخه اولیه فیلم «دوران عاشقی»اش را به دفتر جشنواره فیلم فجر تحویل داده است. او گفته دلش می‌خواهد فیلمش را در اکران نوروز راهی سینماها کند. فیلمی که لیلا حاتمی، شهاب حسینی و بیتا فرهی در آن بازی می‌کنند.